

زمین

این زمین هستی آفرین  
آسمان و آفتاب  
کده و جنگل و دریا و آب  
مرغ کوچکی که با ترانه خوش  
روی شاخه سگفته آینه است

اولین قبله بر  
گردن غار آفرین دره  
وز غبار کلمه قرون  
شد برین خاک و خار را  
پادشاه برود خانه ساخت

آن سینه دلی که گفت  
تا زمانه بوده - تا زمانه بوده  
و آنکه دلدادی بخش  
عزم و روزم سردمان  
تا زمانه را سگفته  
می سگفت کاش  
گردن بلند و دست خوش  
اولین کسی که بازمانده ساخت  
بر روی که جز به معجزه برگشت

خیمه نکرده  
کافه به بلند عمر خوش را  
عاشقانه به حاله تیر جاودانه ساخت

این زمین  
با همه سگفته و بیخ و راهت  
با بر آنچه گذر  
با بر آنچه جاودان به جا  
خانه می من و شاست  
تقریب نثار آن کسی که  
آرزوی را - چراغ

تور و زار را - چین  
(خانه را البالب از زمین)  
از خانه ترانه ساخت  
از ترانه شافت